



دیدگاه اخلاقی ابن سینا واقع‌گرایی است/جملات اخلاقی، خبری هستند، نه انشائی

حجت الاسلام والمسلمین تقی محدر در نشست بررسی نسبت دیدگاه اخلاقی ابن سینا با واقع‌گرایی اخلاقی گفت: شیخ هرچند قضایای اخلاقی را بدیهی نمی‌داند، اما هیچ دلیلی وجود ندارد که آن‌ها را واقعی هم نداند...

حجت الاسلام والمسلمین تقی محدر در نشست بررسی نسبت دیدگاه اخلاقی ابن سینا با واقع‌گرایی اخلاقی گفت: شیخ هرچند قضایای اخلاقی را بدیهی نمی‌داند، اما هیچ دلیلی وجود ندارد که آن‌ها را واقعی هم نداند، بلکه تصریحاتی بر خلاف آن به چشم می‌خورد؛ زیرا او آشکارا بیان کرده که برخی از این قضایا صادق و برخی دیگر کاذب هستند و این مطلب بیان‌گر آن است که جملات اخلاقی، خبری هستند، نه انشائی؛ زیرا صدق و کذب در انشائیات معنی ندارد.

به گزارش خبرگزاری مهر، چهل و سومین جلسه گروه علمی فلسفه اخلاق مجمع عالی حکمت اسلامی با موضوع بررسی نسبت دیدگاه اخلاقی ابن سینا با واقع‌گرایی اخلاقی با ارائه بحث حجت الاسلام والمسلمین تقی محدر و با حضور اعضای مجمع عالی حکمت اسلامی برگزار شد.

در این جلسه حجت الاسلام والمسلمین محدر به ارائه سخن پرداخت که اکنون خلاصه ای از آن از نظر شما می‌گذرد همان طوری که بیان شد، شیخ در کتب مختلف مخصوصاً در کتب منطقی و به مناسبت قضایای مشهوره که از مبادی جدل به شمار می‌روند، حسن عدالت و قبح ظلم را از اقسام مشهورات بیان کرده است. در این میان خواجه طوسی، قطب الدین رازی، علامه مظفر، محقق اصفهانی و از معاصرین استاد سبحانی معتقدند که شیخ این قضایا را از مشهورات خاصه می‌داند که هیچ مبنایی غیر از شهرت ندارند. هر چند مشهوره دانستن قضایای اخلاقی منطقاً دلالتی بر غیرواقع‌گرایی ندارد و در کلام محققین مذکورهم سخنی راجع به واقع‌گرا یا غیرواقع‌گرا بودن دیدگاه شیخ ابراز نشده است، اما تفسیر «لاعمدة لها الا الشهرة» به «لا واقع لها الا الشهرة» آن‌گونه که در کلام مرحوم مظفر آمده بود، دال بر غیرواقع‌گرایی می‌باشد. زیرا این کلام مظفر ناظر به هستی‌شناسی و حقیقت جملات اخلاقی می‌باشد.

اما تفسیر محقق لاهیجی و سبزواری هر چند فی نفسه دلالت بر واقع‌گرایی می‌کند، اما با سخنان شیخ ناسازگار است؛ زیرا در کلمات شیخ هیچ سخنی دال بر بدیهی و اولی بودن قضایای اخلاقی وجود ندارد؛ بلکه شواهد فراوانی بر خلاف آن وجود دارد؛ از جمله این که شیخ در موارد متعددی متذکر می‌شوند که می‌توان بر قضایای اخلاقی برهان اقامه کرد. در حالی که اگر این قضایا اولی بودند، نیازی به اقامه برهان نبود. بنابراین تفسیر محقق لاهیجی و سبزواری از کلام شیخ نادرست است.

اما با تتبع در آثار خود شیخ به نظر می‌رسد که تفسیر آیت‌الله مصباح صحیح باشد. یعنی علیرغم این که شیخ قضایای اخلاقی را از مشهورات و از مبادی جدل می‌داند، اما در عین حال ایشان، این قضایا را از قضایای یقینی می‌داند که می‌شود بر آن‌ها اقامه برهان کرد. بنابراین با این تفسیر از کلام شیخ باید گفت که هر چند شیخ در کتاب‌هایش بحث مستقلاً در باب اخلاق ندارد، اما در میان همین سخنان پراکنده شواهد روشنی بر واقع‌گرایی اخلاقی وجود دارد:

اولاً: باید توجه داشت که ابن سینا هرگز به صورت مستقل در پی تبیین حقیقت قضایای اخلاقی نبوده و ایشان هنگام بحث از قضایای مشهوره، فقط برخی از قضایای اخلاقی را به عنوان مثال ذکر کرده است، و این بدین معنا نیست که ایشان این قضایا را از مشهورات خاصه می‌داند، و هیچ واقعیت عینی برای این قضایا قائل نیست.

ثانیاً: در کلمات شیخ عباراتی وجود دارد که به روشنی واقع‌گرا بودن ایشان را اثبات می‌کند. عباراتی که قبلاً از ایشان نقل شد دال بر این بودند که ایشان قضایای اخلاقی را قابل صدق و کذب می‌داند. به عنوان مثال ایشان در اشارات می‌گوید: برخی از همین مشهورات و آراء محموده، صادق و برخی کاذب‌اند، اما اگر صادق باشند از نوع صدق‌های اولی و مانند آن نیستند؛ زیرا اگر چه عقل، آن‌ها را محموده می‌داند اما به صورت اولی صادق نمی‌داند، مگر با نظر و استدلال. (ابن سینا، 1404ق، ص 220)

بنابراین با دقت در کلمات شیخ این نکته روشن می‌شود که ایشان هر چند قضایای اخلاقی را بدیهی نمی‌داند، اما هیچ دلیلی وجود ندارد که آن‌ها را واقعی هم نداند، بلکه تصریحاتی بر خلاف آن به چشم می‌خورد؛ زیرا او آشکارا بیان کرده که برخی از این قضایا صادق و برخی دیگر کاذب هستند و این مطلب بیان‌گر آن است که جملات اخلاقی، خبری هستند، نه انشائی؛ زیرا صدق و کذب در انشائیات معنی ندارد. و از آنجایی که صدق در فضای فکری ابن سینا همان مطابقت با واقعیت نفس‌الامری است. بنابراین صادق بودن قضایای اخلاقی به معنای مطابقت آن‌ها با واقعیت عینی است. وانگهی ایشان معتقد هستند که اقامه برهان بر قضایای اخلاقی ممکن است و از آنجایی که مبادی برهان از یقینیات و اولیات است، پس قضایای اخلاقی نمی‌توانند غیرواقعی باشند.

شاید تنها جمله در عبارات شیخ که موهم اخباری نبودن جملات اخلاقی باشد عبارت «و منها الآراء المسماة بالمحمودة و ربما خصصناها باسم الشهرة اذ لا عمدة لها الا الشهرة» باشد. و همان‌طور که نقل شد مرحوم مظفر این عبارت را به صورت «لا واقع

لها الا الشهرة» فهمیده و آنرا ناظر به مقام ثبوت و واقع تفسیر کرده، نه ناظر به مقام اثبات. و شاید دلیل ایشان بر این تفسیر، آزمونی است که خود شیخ مطرح کرده است. زیرا همان طوری که قبلاً هم بیان شد، شیخ معتقد است که قضایای اخلاقی تنها از رهگذر آموزش‌های اجتماعی قابل کشف هستند و حسن عدالت و قبح ظلم محصول کشف عقلی نیست.

اما در پاسخ می‌شود گفت که اولاً؛ مشهوره بودن این قضایا منافاتی با عینی بودن آنها ندارد؛ زیرا شیخ قضایای استقرائی را علیرغم عینی بودنشان جزء آراء محموده ذکر کرده و این نشان دهنده آن است که صرف ذکر قضایای اخلاقی ذیل آراء محموده دلالتی بر غیرواقعی بودن این قضایا ندارد. ثانیاً؛ این عبارت شیخ دال بر این است که گزاره‌های اخلاقی از یک واقعیت فی نفسه حکایت می‌کنند، اما دلیل اثبات آن شهرت است. به عبارت دیگر، این عبارت بیان‌گر این است که گزاره‌های اخلاقی واقعیت خارجی دارند، اما دلیل و حجت آن از طریق شهرت تأمین می‌شود.

درست است که شیخ در آزمون فکری خود به صراحت امکان اولی بودن قضایای اخلاقی را رد کرده است و حتی امکان ادراک آنها از طریق راه‌های دیگر شناخت، از جمله حس را رد می‌کند، اما آیا نفی بدهت این قضایا مستلزم اثبات اعتباری و قراردادی بودن این قضایا است؟! در حقیقت شیخ با این روش فکری به دنبال بیان این نکته است که این قضایا به دلیل بدیهی نبودن و پیچیدگی خاص آن فقط از طریق حیات اجتماعی قابل درک هستند. و عبارت ایشان در شفا مؤید این مطلب است: «و منها ما هو صادق بشرط دقیق لا یفطن له الجمهور».

بدین ترتیب مقصود ایشان که می‌گوید احکام اخلاقی پایه‌ای جز شهرت ندارند، این است که واقع و اساس معرفتی احکام اخلاقی شهرت است، بنابراین سخن شیخ ناظر به مقام اثبات است و نه ناظر به مقام ثبوت، آن گونه که مرحوم مظفر و محقق اصفهانی ادعا می‌کنند. به عبارت دیگر این مسأله متعلق به حوزه معرفت شناسی اخلاق است، نه حوزه وجود شناسی اخلاق.

نتیجه‌گیری

به توجه به مطالبی که بیان شد، می‌توان نکات ذیل را از سخنان ابن سینا نتیجه گرفت:

- 1- جملات اخلاقی از قضایای مشهوره هستند.
 - 2- قضایای اخلاقی بدیهی نیستند.
 - 3- اقامه برهان بر برخی از قضایای اخلاقی ممکن است؛ لذا از این طریق قضایای اخلاقی می‌توانند یقینی باشند.
 - 4- منافاتی بین مشهوره بودن، یقینی و واقعی بودن یک قضیه وجود ندارد. و یک قضیه از دو جهت مختلف می‌تواند هم مشهوره باشد و هم یقینی و واقعی.
 - 5- قضایای اخلاقی از آن جهت که یقینی بوده می‌شود بر آنها برهان اقامه کرد و همچنین از این جهت که از واقعیت نفس‌الامری حکایت می‌کنند، واقع‌نما می‌باشند.
 - 6- گزاره‌های اخلاقی واقعیت خارجی دارند، اما دلیل و حجت آن از طریق شهرت تأمین می‌شود. این شهرت ناظر به مقام اثبات است نه ثبوت.
 - 7- بر این اساس ایشان گزاره‌های اخلاقی را اخباری و قابل صدق و کذب می‌داند و همچنین ایشان برخی از این قضایا را صادق می‌داند.
 - 8- صدق در فضای فکری ابن سینا به معنای مطابقت با واقعیت نفس‌الامری است.
- با توجه به نتایجی که از کلمات شیخ گرفته شد و همچنین با توجه به مؤلفه‌هایی که برای واقع‌گرایی بیان شد، می‌توان نتیجه گرفت که دیدگاه اخلاقی ابن سینا واقع‌گرایی می‌باشد.